

بررسی عوامل جامعه شناختی مؤثر بر شکاف نسلی

(جامعه آماری شهر همدان)

دکتر محمد سلمان قائمی‌زاده^۱ و طاهره باباخانی^۲

چکیده

پدیده شکاف نسل‌ها تضاد ارزش‌های جوانان و بزرگسالان در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بوده و در واقع تفاوت بین سیستم‌های ارزشی دو نسل است. در شرایط بحران ارزش‌ها به دلیل هماهنگی جوانان با تحول سریع جامعه و عدم هماهنگی بزرگسالان با آنها در زمینه فکری، میان نسل جوان و بزرگسالان شکافی ایجاد می‌شود که در طول زمان پیوسته افزایش می‌یابد. هدف از پژوهش حاضر سنجش میزان شکاف نسل‌ها و شناخت عوامل مؤثر بر آن می‌باشد. اطلاعات از طریق مصاحبه حضوری و پرکردن پرسشنامه از دویست نفر از دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان همدان که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده بودند، جمع‌آوری گردید. آزمون تحلیل واریانس یکطرفه، ضریب همبستگی پیرسون و آزمون T-test مستقل گروهی در تحلیل این پژوهش به کار برده شد. نتایج نشان می‌دهند که بیش از ۵۰ درصد از آزمودنی‌ها در حد متوسط و متوسط به بالا دچار پدیده شکاف نسل‌ها می‌باشند و به عبارتی ۲۵ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و ۲۶ درصد نیز در حد متوسط دچار شکاف نسل‌ها شده‌اند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که بین میزان شکاف نسل‌ها و میزان ارتباط جوانان با خانواده رابطه معنی‌داری وجود دارد. به علاوه رابطه شکاف نسل‌ها با میزان ارتباط دوستان و میزان گرایش به وسایل ارتباط جمعی معنی‌دار بود. در مورد ارتباط ویژگی‌های فردی و شکاف نسل‌ها تنها متغیر میزان اختلاف سنی آزمودنی‌ها با والدین رابطه معنی‌داری نشان داد و این رابطه در مورد سایر ویژگی‌های فردی (شغلی، تحصیلات و درآمد خانواده) معنی‌دار نبود.

مفاهیم کلیدی: شکاف نسل‌ها، ارتباط با خانواده، ارتباط با دوستان، وسایل ارتباط جمعی، ویژگی‌های فردی

۱. استادیار گروه آموزشی علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا

۲. کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه صنعتی اصفهان

مقدمه

در شرایط تحول سریع جامعه به ویژه در دوران شهرگرایی و صنعتی شدن، بزرگسالان به دلیل ثبات نسبی ساختار ذهنی و سنت‌گرایی و محافظه‌کاری خود متمایل به حفظ و تثبیت ارزش‌های فکری و فرهنگی سنتی خود می‌شوند و نمی‌توانند پا به پای تحولات، نوآوری و نوگرایی فرهنگی پیش بروند. در حالی‌که جوانان به دلیل اقتضای سنی خود، نوجو، نوگرا و نوآور بوده و اعتقاد به ارزش‌های سنتی را کهنه و غیرقابل قبول می‌شمارند. از این رو برخورد ارزش‌های دو نسل والدین و فرزندان و عدم سازگاری میان آن را در شرایطی خاص از تحول ایجاد می‌شود بحران ارزش‌ها می‌نامند. در شرایط بحران ارزش‌ها به دلیل هماهنگی جوانان با تحولات سریع جامعه و عدم همگامی بزرگسالان با آنها در زمینه همفکری میان دو نسل شکاف ایجاد می‌شود و این امر در طول زمان پیوسته افزایش می‌یابد که این برخورد میان دو نسل را کشمکش نسل‌ها و فاصله میان آن دو را شکاف نسل‌ها گویند. اگر چه می‌توان گفت در هر عصری میان دو نسل بزرگسالان و جوانان شکاف وجود دارد ولی در دوران صنعتی شدن جامعه این کشمکش و شکاف افزون‌تر است. در حالیکه در جوامع ایستا این‌گونه شکاف و ستیز به چشم نمی‌خورد. در جوامعی که تغییرات فرهنگی سریع و در هر نسل تغییرپذیر است والدین می‌خواهند فرزندانشان را با معیارهای ارزشی که خود پرورش یافته‌اند تربیت کنند ولی جوانان آن معیارها را پذیرا نیستند و خود معیارهای ارزشی فرهنگی جدیدی را خلق کرده و پذیرا هستند به همین دلیل ستیز بین جوانان و والدین در این‌گونه از جوامع چشمگیر است. در حالی که جوامع ایستا این‌گونه ستیز به چشم نمی‌خورد. به دلیل اهمیت مسایل جوانان در تحقیق حاضر سعی بر این است که انگاره‌ای کلی از تأثیر عوامل عمده اجتماعی به ویژه ارزش

ها و ضد ارزش ها بر شکل‌گیری و آسیب‌شناسی شخصیت جوانان ارائه شود. از دیدگاه جامعه-شناسان تضاد بین ارزش‌های جوانان و بزرگسالان در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در واقع تفاوت بین سیستم‌های ارزشی دو نسل است. نسل گذشته پای‌بند به آداب و رسوم و باورهای فرهنگی و ملی خود بود و به راحتی تغییر در آن نمی‌پذیرد و گاهی به شدت با هر نوع تحول مقابله می‌کنند. در مقابل نسل جوان با ارزش‌های نه چندان پایدار اما جذاب و محرک قرار دارند. عدم توانایی در کمک به شناخت و درونی کردن ارزش‌های سست بنیاد مادی، آسیب قابل توجهی به فرهنگ، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی جامعه وارد می‌سازد و موجب بروز پدیده‌هایی به نام خرده‌فرهنگ و ضد ارزش می‌شود. در مبانی جامعه-شناسی اصولاً خانواده به عنوان سلول اصلی جامعه تلقی می‌شود و در جامعه وجود خانواده‌ی سالم و خانواده‌ای که در آن رابطه اجتماعی و درونی از استحکام بایسته برخوردار باشد باعث شکل‌گیری جامعه سالم می‌شود. از سویی دیگر وجود جوانان و نوجوانان تضمین‌کننده آینده جامعه و خانواده است و نظام ارزش هم‌هنگ بین والدین و فرزندان یکی از مؤلفه‌های اساسی و تفاهم در خانواده است. لذا انجام تحقیق حاضر درباره‌ی این مسئله و توصیف و تبیین عوامل مؤثر بر آن از دو جنبه‌ی علمی و کاربردی اهمیت زیادی دارد. از جنبه‌ی علمی، انجام مطالعه درباره‌ی تفاوت نظام ارزشی والدین و فرزندان موجب رشد و ارتقای عملی می‌شود و در نتیجه با مطرح شدن پوشش‌های علمی در این زمینه پاسخ‌های علمی به آنان داده می‌شود. از جنبه کاربردی، می‌توان با شناخت نظام ارزشی در والدین و فرزندان برداشتی صحیح از میزان تفاوت-ها و شباهت‌های این دو نظام در جهت کاهش شکاف نسل‌ها آگاهی‌های لازم را کسب نمود. در واقع شناسایی تأثیر عوامل مختلف اجتماعی شدن چون خانواده، مدرسه، گروه همسالان و

وسایل ارتباط اجتماعی بر مسئله شکاف نسل‌ها می‌تواند راهکارهایی مناسب را در مواجهه با این پدیده اجتماعی فرا روی کارشناسان مسائل تربیتی و مسئولان آموزشی قرار دهد. تحول و نوسازی خانواده تنها از طریق شناخت نظام‌های ارزشی موجود در آن عملی می‌شود. این تحقیق می‌تواند با سنجش تأثیر عوامل گوناگون راه را برای برنامه‌ریزی، تغییر و کنترل آنها فراهم آورد و موانع و مشکلات را پیش‌بینی کند. هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل جامعه-شناسی مؤثر بر شکاف نسلی می‌باشد.

پیشینه‌ی تحقیق

یکی از مهمترین و نافذترین پیشینه در این مورد، کتاب تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته رونالد اینگلهارت می‌باشد. اینگلهارت به دگرگونی ارزش‌ها و عوامل مؤثر بر آن پرداخته است و نیز به نگرش‌ها و ارزش‌های جوامع متفاوت اشاره داشته است. در کل ماهیت، دگرگونی‌ها، علت‌ها و پیامدهای آن مورد بررسی قرار گرفته است. وی در تحلیل گروه‌های سنی وجود تفاوت‌هایی محسوس در اولویت‌های اجتماعی مهم نسل‌های جوان‌تر و بزرگ‌تر را محرز می‌سازد و اثبات می‌کند که همگام با جایگزینی جمعیت، تحول تدریجی اما فراگیر از اولویت‌های مادی حاکم به سوی اهداف فرامادی و در ارزش‌های این مردم واقع شده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۶۱). تیموری نیز به بررسی ارزش‌های پدران و پسران و بروز شکاف نسل‌ها پرداخته است. در این تحقیق اشاره شده است که ساخت نظام ارزشی در میان پدران و پسران و پیامد طبیعی آن شکاف بین نسل‌هاست و محور اصلی تحقیق مذکور چگونگی و چرایی شکاف است. او با شاخص قرار دادن متغیرهایی چون ارزش علمی، هنری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تفاوت دیدگاه پدران را نسبت به پسران در بین دانش‌آموزان سال دوم رشته ریاضی و علوم تجربی دبیرستان‌های تهران در سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ مورد بررسی قرار داده است.

رفیع‌پور در تحقیقی تحت عنوان وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، با تحلیل محتوای فیلم‌های دهه‌ی ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ با این نتیجه نایل آمد که این فیلم‌ها (برزخی-ها، بایکوت، عروسی، هنرپیشه و سریال مهمان) یک روند تغییر ارزش را به سوی ارزش‌های

مادی و مدجویی، و سرمایه‌داری را به دنبال داشته که به نوعی ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی و ... را تحت الشعاع قرار داده‌اند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۳۵)

چارچوب نظری

در مورد تفاوت‌ها و تشابهات نظام ارزش‌ها دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. بحث تفاوت در نظام ارزش‌ها نیز که منجر به شکاف نسلی بین والدین و فرزندان می‌شود، دیدگاه‌های گوناگونی را به خود اختصاص داده است.

به اعتقاد بنگستون سه دیدگاه عمده در زمینه گسستگی نسلی وجود دارد: در یک طرف کسانی هستند که وجود «شکاف نسل‌ها» را تایید می‌کنند و در طرف دیگر طیف کسانی هستند که وجود شکاف عمیق را یک توهم و خیال می‌پندارند و معتقدند این موضوع توسط وسایل ارتباط جمعی اشتباهاً به مردم تحمیل شده است و دیدگاه سوم که در نقطه وسط دو دیدگاه قرار دارد معتقد به پیوستگی و تفاضل‌گزینشی بین نسل‌هاست. به نظر می‌رسد بین میزان ارتباط با خانواده و میزان شکاف نسل‌ها رابطه وجود دارد از آنجا که جوامع جدید (جوانان) می‌خواهند به راه خود بروند و بزرگسالان علاقمندند آنان را با سنت‌های کهن پرورش دهند این امر بحران ارزش‌ها را پیش می‌آورد و از سوی دیگر به نوعی منجر به برخورد میان دو نسل می‌شود. در نتیجه، هر چه فرد با خانواده روابط صمیمانه تری داشته باشد تعارض بین دو نسل کاسته می‌شود.

دیدگاه اول: تئوری شکاف عمیق، صاحبان این دیدگاه معتقدند که شکاف بین جوانان و بزرگسالان شایع و گسترده است. این فرهنگ جوانان را مختلف و حتی متضاد با فرهنگ مسلط بزرگسالان می‌داند. این دیدگاه بسیار ذهنی و تئوریک است و فاقد تأیید تجربی می‌باشد.

دیدگاه دوم: تئوری عدم شکاف، متفکران اجتماعی این دیدگاه تأکید دارند که ارزش-های جوانان اختلاف شدیدی با بزرگسالان ندارند (آدلن، ۱۹۷۰)، لیپست (۱۹۶۸)، لوبل (۱۹۶۸)، ریس (۱۹۶۸). این گروه مدعی‌اند در حالی که ممکن است جوانان و بزرگسالان دارای جدایی اجتماعی باشند ولی شکاف بین آنها اساساً ارتباطی با قبول ارزش‌های مختلف ندارند بلکه جدایی بیشتر در زمینه قابلیت کاربرد موقعیتی توصیه‌های هنجاری برای تحقق دادن به ارزش-های مورد قبول یکسان و مشابه است نه مربوط به قبول ارزش‌های مختلف. برای این دیدگاه تا حدودی تایید تجربی وجود دارد.

دیدگاه سوم: پیوستگی و تفاضل‌گزینشی، این دیدگاه معتقد است که تضاد اندکی بین نسل‌ها در مورد ارزش‌ها وجود دارد. همچنین معتقدند که ارزش‌های مورد قبول یکسان و مشابه می‌توانند در قالب الگوهای رفتاری مختلفی خود را نشان دهند. مشکل این دیدگاه این است که دقیقاً مشخص نمی‌کند که این تفاوت‌ها کدام است.

از سوی دیگر چنین به نظر می‌رسد که پیروان دو فرهنگ غربی و خودی در مقابل یکدیگر صف‌آرایی می‌کنند. تعارض فرهنگی رو به تزاید است و علل آن هم داخلی است و هم خارجی است. از علل خارجی تشدید این تعارضات می‌توان به تأثیر ماهواره، تولید و پخش فیلم‌های ویدئویی اشاره نمود. از مهمترین تحولات قرن بیستم را می‌توان به ظهور «تیپ جوان» به عنوان یک گروه یا طبقه سنی خاص اشاره نمود که ویژگی‌های خاص آن در تشخیص یافتن آنان نسبت به اقشار سنی موثر بوده است.

همبستگی اعضای این گروه، سازمان‌یافتگی مبتنی بر سلسله مراتب و برخورداری از نظام ارزشی خاص که بعضاً با نظام ارزشی بزرگسالان مغایر داشت از جمله ویژگی‌هایی است که موجب تمایز این گروه گردیده است (آبراکرامبی، ۱۳۷۶: ۲۸۲).

از دیدگاه جامعه‌شناسی عوامل مختلفی در ایجاد زمینه‌هایی برای مطرح شدن این قشر موثر بوده است، برخی از این عوامل که عمدتاً پس از انقلاب صنعتی پدید آمده‌اند، عبارتند از: افزایش جمعیت، توسعه شهرنشینی، توسعه پدیده مهاجرت، تحول سیستم آموزشی، تحولات سیاسی اجتماعی و گسترش وسایل ارتباط جمعی.

جامعه‌شناسانی چون دورکیم، ردفیلد، تونیس انتقال از زندگی روستایی به زندگی شهری را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که انتقال از شیوه زندگی روستایی به شهری پیامدهای ناخوشایندی دارد از جمله اینکه روابط غیر شخصی جایگزین روابط شخصی شده و در نتیجه نظم و نظام جامعه در معرض از هم گسیختگی قرار می‌گیرد (کوئن، ۱۳۷۵: ۲۳۲).

با ظهور پدیده تحول در سیستم آموزشی که به سود جوانان رخ داد و موجب مطرح شدن آنها گردید سیستم آموزشی گذشته که به صورت سنتی بود. در کنار انتقال علوم و فنون به کودکان، ارزش‌ها و هنجارها و سنت‌های جامعه نیز منتقل می‌شود اما با تغییر جدی در آموزش و رسمی شدن سازمان‌های آموزش و پرورش انتقال ارزش‌ها و سنت‌ها کم‌رنگتر شده و این سبب جدایی فرهنگ جوانان با فرهنگ والدین شد.

با تحول وسایل ارتباط جمعی و توسعه وسایل حمل و نقل تحرک بیشتر انسان‌ها و در نتیجه ارتباط میان ملل و جوامع سبب اشاعه فرهنگ‌ها شد و موجب شد انتقال فرهنگ جامعه که به روش سنتی و شفاهی و چهره به چهره از بزرگسالان به جوانان انتقال می‌یافت جای

خود را به کتاب‌ها، مجلات و نشریاتی دهد که با مطالب متنوع جوانان را به سوی خود جذب می‌نمود.

در زمینه ارتباطات وسایل ارتباط جمعی قرن بیستم را به عصر ارتباطات منصوب کرد. این گسترش مرز جوامع را از میان برداشت و روابط ملل و تمدن‌ها را هر چه بیشتر به هم نزدیک نمود (گیدنز، ۱۳۷۷: ۵۸۶).

دگرگونی‌ها و تحولات سیاسی و اجتماعی که عمدتاً در قرن ۱۹ اتفاق افتاد در تحول فکری جوانان بی‌تاثیر نبوده و مایل بودند از دیگر منابع همچون گروه دوستان، تجارت شخصی برای انتخاب و گزینش ارزش‌ها سود جویند، در واقع در این دوره تاثیر خانواده رو به کاهش می‌گذارد و جوان خود را در میان طیف وسیعی از ارزش‌های مختلف در جامعه می‌یابد. در این سنین تاثیرات اجتماعی و فرهنگی به اوج اهمیت خود می‌رسند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۸۶۹ و ولنسکی، ۱۳۶۹: ۴۸۶).

تئوری اجتماعی شدن: جامعه پذیری، پویایی است پایدار که در جریان آن افراد ارزش‌های فرهنگی را پذیرا می‌گردند و فرد در جامعه کنونی تلاش می‌کند تا هنجارهای نیمه فرهنگی گروه‌هایی که به آنها تعلق دارد فرا گیرد. در جوامع کنونی ارزش‌ها و هنجارهای معین و مشترکی وجود دارد که افراد آن‌ها را در ذهن خود به صورت مختلف ترسیم می‌کنند و با توجه به خصوصیات فرهنگی خود برداشت‌های متفاوتی نسبت به آنها پیدا می‌نمایند.

پاره فرهنگ نیز فرهنگی است در دل فرهنگ دیگر ولی در عین حال پاره فرهنگ‌های گروه به نوبه خود دارای ارزش‌ها و مفاهیم خاص است. پاره فرهنگ‌ها متناقض فرهنگ‌های بزرگتر نمی‌باشند، البته ممکن است بین فرهنگ‌های گسترده و پاره فرهنگ‌ها ستیزهایی بوجود آید.

کوئن معتقد است که در جوامع طبقاتی پاره فرهنگ‌ها زمانی بوجود می‌آیند که واکنش-های اجتماعی افراد مشکلاتی برای آنان بوجود آورده است، بنابراین افراد بر اثر اجتماعی شدن ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه خویش را اخذ کرده و به آن حالت درونی می‌بخشد(کوئن، همان:۱۵).

خانواده در گذشته نقش‌های مختلفی را بر عهده داشت که با پیچیده شدن زندگی اجتماعی بسیاری از نقش‌های آن سلب شده و بر عهده دیگر گروه‌ها گذاشته شد. روابط والدین با فرزندان جوان، به مشارکت جوانان در زندگی خانوادگی و نقش آنان در تصمیم‌گیری در مورد تعطیلات و کمک به کارهای خانه و ارتباط موازنه معقول بین جهان شخصی و خصوصی آنان و درجه‌ای معقول از کنش با سایرین بستگی دارد.

مدرسه: یک نظام اجتماعی است زیرا سازمانی از مقام‌های اجتماعی را دارا است. در یک نظام اجتماعی، مدرسه برای شناخت متغیرهایی که در تغییر رفتار نوجوانان موثر است ضروری می‌باشد زیرا ما را قادر می‌سازد تا انواع الگوهای رفتاری را که او احتمالاً می‌آموزد پیش بینی کنیم. الگوهای شاگردان می‌تواند ناشی از جنسیت، سن، کلاس حتی عضویت در فعالیت‌ها و روابط دوستی و علائق مشترک باشد.

به طور کلی صاحب‌نظرانی چون ساترلند در تئوری «پیوستگی اخلاقی» می‌گویند جوانان به میزان شدت ارتباط و همنشینی با گروه‌های مختلف پیرامونشان از ارزش‌ها و هنجارهای آن تاثیر می‌پذیرند(احمدی، ۱۳۸۴: ۹۴).

رسانه‌های گروهی: آلون تافلر در موج سوم بیان می‌کند که تمدن بشری در مسیر حرکت خود با سه موج، موج انقلاب کشاورزی، انقلاب صنعتی و موج سوم که در دهه‌های اخیر شروع شده به نام عصر اطلاعات و انقلاب اطلاعاتی روبرو است. (اقتباس از تافلر، ۱۳۷۳).

تئوری اینگلهارت: او معتقد است که با بالا رفتن بعد خانوار، اختلاف سن والدین با فرزندان نیز افزایش می‌یابد. در مورد محل سکونت نیز معتقد است: اختلاف والدین با فرزندان در مناطق مرفه، بیشتر به چشم می‌خورد، یکی دیگر از عوامل موثر در شکاف نسلی، غیر یکسان بودن محل تولد والدین و فرزندان است. او همچنین اختلاف سنی و میزان تحصیلات والدین با فرزندان را در بروز شکاف نسل‌ها موثر می‌داند (تیموری، ۱۳۷۷: ۶۰).

دیدگاه ستیز مک‌گراهیل: طرفداران این مکتب اعتقاد دارند که جامعه در حال درگیری و تضاد مداوم است. جامعه‌شناسان تضادگرا بر این عقیده‌اند که رفتار اجتماعی در قالب مفاهیمی چون تضاد و تنش میان گروه‌های رقیب بهتر شناخته می‌شود. این تضاد الزاماً حالتی خشونت-آمیز ندارد و می‌تواند در صورتی مانند: گفتگوی میان والدین و فرزندان، گفتگوی زنان و شوهران، مجادلات و بحث‌های گروه‌های سیاسی و بسیاری زمینه‌های مشابه مطرح باشد، جامعه‌شناس تضادگرا می‌خواهد بداند که چه کسانی سود می‌برند، چه کسانی قربانی می‌شوند و چه کسانی به دیگران تسلط دارند. مک‌گراهیل به تضادهایی توجه دارد که مثلاً: میان زنان و مردان، والدین و فرزندان وجود دارد.

در مطالعه این مسائل آنچه که مهم می‌باشد این است که ببینیم نهادهای نیرومند جامعه مانند دو خانواده در مقابل این تضادها چه موضعی اتخاذ می‌کنند. گاه در خانواده این تضادها به

علت اختلاف سن زیاد بروز می کنند و زن و مرد و والدین و فرزندان درک متقابل از یکدیگر به علت اختلاف سن ندارند و یکدیگر را درک نمی کنند.

گاه این تضادها زمانی بروز می کند که دو نظام ارزشی بر جامعه حاکم باشد یعنی یک نظام ارزشی ویژه نوجوانان دختر یا پسر و یک نظام ارزشی ویژه والدین و بزرگسالان، اغلب این افراد دچار تضاد ارزشی میشوند. تضاد ارزشها در واقع یک مرحله از تغییر فرآیند ارزشهاست، این دو نظام ارزشی با هم در جدال قرار می گیرند و با هم به ستیز برمی خیزند.

دیدگاه تنش اجتماعی متقابل: چارچوب کنش متقابل اجتماعی رهیافتی است که در ۳۰ سال اخیر بیش از روشهای دیگر به کار برده شده است. ارنست بورگز می گوید: خانواده واحدی است مرکب از اشخاص که افراد در درون آن دارای کنش متقابل هستند و هر کدام موقعیتی خاص در داخل خانواده دارند که به وسیله تعدادی نقش مشخص می شوند. در این رهیافت تنها نقش مورد مطالعه قرار نمی گیرد بلکه مسائلی از قبیل پایگاه حقوقی فرد و رابطه آن با قدرت و ابتکار، فرآیندهای ارتباط، تعارضها و راه حل آنها مورد توجه است. به موازات تغییرات که بر حسب سن اعضای گروه خانوادگی پیش می آید نوع و نحوه تنش متقابل متحول می شود، فرد سعی در آوردن خواسته‌های خویش است در نتیجه در بعضی مراحل والدین و فرزندان با یکدیگر هماهنگ‌اند و در مراحل دیگر روابط خصمانه است (مارتین، ۱۳۷۰: ۱۲).

نظریه پارسونز: سه عامل انتظارات، ارزشها و هنجارها و تضادها (پاداش و مجازات) عناصر تشکیل دهنده نقشها، کنش متقابل هستند. (توسلی، ۱۳۷۴: ۵۲). در نظریه علمی کنش پارسونز آمده است ساخت یک نظام اجتماعی از طریق نهادی شدن الگوها و ارزشها تثبیت و تحکیم می شود. بنابراین اجتماعی شدن واقعی نوجوانان در زمینه ارزشها بدون در نظر گرفتن نفوذ

قابل ملاحظه والدین، از طریق فرآیند همسانی عاطفی بین فرزندان و والدین انجام نمی‌گیرد و لذا می‌بینیم خانواده معاصر (هسته‌ای) در جریان اجتماعی کردن، با ایفای نقش‌های والدین، ارزش‌های جدیدی به نسل جوان منتقل نمی‌سازد. زیرا خانواده معاصر ارتباط کمی با فرزندان دارد.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- به نظر می‌رسد بین میزان ارتباط با خانواده و میزان شکاف نسل‌ها رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین میزان ارتباط با دوستان و میزان شکاف نسل‌ها رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین میزان گرایش به استفاده از وسایل ارتباط جمعی داخلی و خارجی و میزان شکاف نسل‌ها رابطه وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین ویژگی‌های فردی (سن، جنس، بعد خانوار، تحصیلات، اختلاف سن با والدین و درآمد خانواده) و میزان شکاف نسل‌ها رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

شیوه گردآوری اطلاعات در این پژوهش از نوع پیش‌بینی و به عبارت دیگر روش مشاهده با استفاده از ابزار مصاحبه و پرسشنامه بوده است. پرسشنامه بر اساس فرضیات و ادبیات موضوع طراحی شده و سپس اطلاعات این تحقیق با استفاده از آن جمع‌آوری گردیده است. پرسشنامه استفاده شده در بین ۳۰ نفر از جامعه آماری اجرا شده و آزمون‌هایی در جدول توزیع فراوانی و ضرایب همبستگی انجام گرفت. جهت تعیین روایی و پایایی پرسشنامه از ضریب کرونباخ

استفاده گردید که با توجه به ضریب به دست آمده همه‌ی سوالات دارای اعتبار بوده و بنابراین هیچ یک از سوالات حذف نشدند. واحد تحلیل در این پژوهش فرد می باشد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل دانش آموزان مقطع متوسطه شهر همدان می باشد. به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز درباره افراد در جامعه آماری از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شده، به این صورت که در بین نواحی یک و دو همدان سه منطقه بالا، متوسط و پائین را در نظر گرفته و از هر کدام از این مناطق یک مدرسه را به صورت تصادفی انتخاب کرده ایم. تحلیل داده‌ها در دو سطح تحلیل توصیفی و تحلیل استنباطی با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفت. در تحلیل توصیفی از جداول توزیع فراوانی و میانگین‌ها بهره گرفته شد و در تحلیل استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس ANOVA و آزمون مستقل دو گروهی T-test استفاده شد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

متغیر وابسته: متغیر شکاف نسل ها به عنوان متغیر وابسته در تحقیق حاضر به کار گرفته شد. شکاف نسل‌ها تضاد بین ارزش‌های جوانان و بزرگسالان در زمینه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در واقع تفاوت بین سیستم‌های ارزش دو نسل است. در این پژوهش شکاف نسلی را با استفاده از طیف لیکرت و به وسیله سوالاتی به صورت گویه نگرش سنج در پرسشنامه سنجیده ایم.

متغیر مستقل: در این تحقیق ویژگی‌های جمعیت شناختی از قبیل اختلاف سن با پدر و مادر، درآمد خانواده، شغل والدین، تحصیلات والدین، بعد خانوار، محل تولد، پایگاه اقتصادی-اجتماعی بعنوان متغیرهای مستقل به کار رفت.

تعریف متغیرمیزان ارتباط با خانواده: منظور از ارتباط با خانواده تبعیت کردن و الگو گرفتن از اعضای خانواده است که در این پژوهش با سه مولفه کاملاً گرم و صمیمی، معمولی، سرد و بی تفاوت نیز مشخص می شود.

تعریف متغیرمیزان ارتباط با دوستان: منظور از ارتباط با دوستان این است که فرد بیشتر وقت خود را صرف معاشرت با دوستان و همکلاسان خود بکند.

میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی: میزان استفاده از رسانه‌های مرزی و فرامرزی مثل تلویزیون، ماهواره، اینترنت، روزنامه‌ها و مجلات داخلی و خارجی که ابزارهای اشاعه ارزش‌های مدرنیته و همگون سازی جهانی هستند، در این پژوهش مد نظر قرار گرفته اند.

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش تعداد نمونه‌ها ۲۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی دختر بوده است که از بین این ۲۰۰ نفر ۱۵۴ نفر (۷۷ درصد) متولد شهر و ۴۶ نفر (۲۳ درصد) متولد روستا بوده‌اند. ۹۱ نفر (۴۵/۵ درصد) از پاسخگویان سن پدرشان بین ۶۵-۵۵ سال و ۹۱ نفر (۴۵ درصد) سن مادرشان بین ۵۵-۴۵ سال می‌باشد. کمترین درصد توزیع فراوانی آزمودنی‌ها به تفکیک سطح تحصیلات پدر مربوط به سطح لیسانس دو نفر (۱/۱ درصد) و بیشترین آن مربوط به سطح

ابتدایی ۹۲ نفر (۴۸ درصد) میباشد. کمترین درصد توزیع فراوانی آزمودنی‌ها به تفکیکی تحصیلات مادر مربوط به سطح لیسانس یک نفر (۵/۰ درصد) می‌باشد و بیشترین آن مربوط به سطح ابتدایی ۹۶ نفر (۸۴/۰ درصد) بوده است.

اطلاعات به دست آمده از میزان درآمد پدر پاسخگویان نشان میدهد که بیشترین فراوانی بدست آمده مربوط به طیف ۳۰۰-۲۰۰ هزار تومان به بالا می‌باشد.

از میان هفت معرفی که برای بررسی میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی انتخاب شده بیشترین فراوانی مربوط به تلویزیون، روزنامه‌های داخلی، رادیو خارجی و رادیو داخلی می‌باشد و کمترین فراوانی مربوط به ماهواره، اینترنت و روزنامه‌های خارجی می‌باشد.

در زمینه ارتباط با خانواده، از میان پاسخگویان ۳۷ درصد آنها دارای رابطه کاملاً صمیمی و ۲۶ درصد آنها روابطی سرد و بی تفاوت داشته‌اند.

در میان پاسخگویان ۲۳/۵ درصد آنها با دوستان خود دارای روابط کاملاً صمیمی و ۲۵/۵ درصد آنها روابطی سرد و بی تفاوت داشته‌اند. بیشترین فراوانی متعلق به پاسخگویانی است که دارای روابط معمولی می‌باشند.

در این پژوهش، شکاف نسلی با استفاده از طیف لیکرت و با استفاده از معرف‌هایی در مقیاس سنجش ترتیبی سنجیده شد. اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد از آزمودنیها در حد متوسط و متوسط به بالا دچار پدیده شکاف نسل‌ها می‌باشند. به عبارت دیگر ۲۵ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و ۲۶ درصد نیز در حد متوسط دچار شکاف نسلی شده‌اند (جدول ۱)

جدول ۱- توزیع میزان شکاف نسل‌ها در بین آزمودنی‌ها

انحراف معیار	میانگین	میزان شکاف نسل‌ها		طیف لیکرت
		درصد	فراوانی	
		۲۵	۵۰	زیاد
		۲۶	۵۲	متوسط
		۲۳/۵	۴۷	کم
۱/۱۳	۳/۵	۲۵/۵	۵۱	خیلی کم
		۱۰۰	۲۰۰	کل

به منظور آزمون این فرض که بین میزان ارتباط با خانواده و میزان شکاف نسل‌ها رابطه وجود دارد از ضریب توافقی همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج حاصل از این جدول نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین میزان ارتباط با خانواده و شکاف نسل‌ها حدود $0/۸۳-$ می‌باشد. از طرفی احتمال آن در سطح آلفای کمتر از $0/۰۰۱$ معنا دار است. هر چه ارتباط آزمودنی‌ها در موقعیت‌های مختلف زندگی با والدین و محیط خانواده کمتر باشد، نوع نگرش آنها نسبت به افکار و عقاید والدین به عنوان نسل کهنه نیز تغییر چشمگیری داشته است. در واقع پدیده شکاف نسل‌ها نیز بیشتر شده است. لذا فرضیه تحقیق H_1 تایید می‌شود و فرضیه H_0 مبنی بر عدم ارتباط بین دو متغیر می‌باشد رد می‌شود. مقدار احتمال این رابطه کمتر از $0/۰۰۱$ درصد بوده است نشان می‌دهد همبستگی بین متغیرها در سطح 99% معنا دار است.

رابطه بین میزان ارتباط با خانواده و میزان شکاف نسل‌ها			
میزان شکاف نسل‌ها			متغیرهای مستقل
سطح احتمال	ضریب همبستگی پیرسون	فراوانی	
$P < 0/001$	$-0/83$	۲۰۰	میزان ارتباط با خانواده

به منظور آزمون فرضیه دوم که آیا بین میزان ارتباط با دوستان و میزان شکاف نسل‌ها رابطه وجود دارد. نتایج ضریب همبستگی تداخلی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که ضریب همبستگی بین این دو برابر با $r_{xy} = 0/37$ بوده که رابطه ای مثبت است و تغییرات هر دو متغیر به طور هم جهت اتفاق می افتد. سطح معنی داری چون کوچکتر از $0/001$ است به احتمال ۹۹ درصد بین دو متغیر رابطه وجود دارد. به عبارتی هر چه قدر ارتباط آزمودنیها در ابعاد مختلف زندگی شخصی و تحصیلی با دوستان و همسالان نشان بیشتر بوده است میزان گرایش آنها به اندیشه‌ها و افکار نو ظهور نسل جدید نیز بیشتر شده است و پدیده شکاف نسل‌ها رو به افزایش بوده است. لذا فرضیه H_1 مبنی بر عدم ارتباط بین دو متغیر رد می شود. و فرضیه H_0 تحقیق تایید می شود.

رابطه بین میزان ارتباط با دوستان و میزان شکاف نسل‌ها			
میزان شکاف نسل‌ها			متغیرهای مستقل
سطح احتمال	ضریب همبستگی پیرسون	فراوانی	
$P < 0/001$	$0/37$	۲۰۰	میزان ارتباط با دوستان

در نتایج آزمون فرضیه سوم، نیز مشاهده شد که ضریب همبستگی بین میزان ارتباط آزمودنیها با انواع وسایل ارتباط جمعی اعم از دیداری، شنیداری داخلی و خارجی و میزان شکاف نسل ها $r_{xy}=0/94$ می باشد. که سطح معنی داری آن کمتر از $0/001$ است که نشان دهنده آن است که بین این دو متغیر رابطه معنی داری وجود دارد و این رابطه مثبت است یعنی هر چقدر ارتباط آزمودنیها در ابعاد مختلف زندگی با وسایل ارتباط جمعی شنیداری و دیداری بیشتر بوده است به همان نسبت پذیرش افکار و اندیشه ها و ایده های نسل های گذشته برای نوجوانان و جوانان نیز کم رنگ تر شده است. و ظهور پدیده شکاف نسل ها تشدید گردیده است لذا این فرض H_0 که مبنی بر علم ارتباط دو متغیر می باشد رد می-گردد و فرضیه تحقیق H_1 تایید می شود.

رابطه بین میزان ارتباط با وسایل ارتباط جمعی و میزان شکاف نسل ها			
میزان شکاف نسل ها			متغیرهای مستقل
سطح احتمال	ضریب همبستگی پیرسون	فراوانی	میزان ارتباط با وسایل ارتباط جمعی
$P < 0/001$	0/94	200	

آزمون فرضیه چهارم: بررسی ویژگی های فردی و میزان شکاف نسل از ضریب همبستگی پیرسون $r_{xy} = 0/21$ به دست آمد و سطوح معنی داری نیز کوچک تر از 5 درصد بود که نشان می دهد این رابطه معنی دار است. از طرفی هر چقدر اختلاف سنی والدین با فرزندانشان بیشتر شده

است در حقیقت نوعی عدم تفاهم فکری و روشی در ابعاد مختلف زندگی بین قشر جوان و نوجوان و افراد مسن تر ظهور می یابد و پدیده شکاف نسل‌ها نیز بیشتر شیوع پیدا می کند. لذا H_0 مبنی بر عدم ارتباط بین دو متغیر می باشد رد می گردد و فرضیه تحقیق H_1 تایید میشود.

رابطه بین میزان اختلاف سنی با والدین و میزان شکاف نسل‌ها			
میزان شکاف نسل‌ها			متغیرهای مستقل
سطح احتمال	ضریب همبستگی پیرسون	فراوانی	
$P < 0/05$	0/21	200	میزان اختلاف سنی با والدین

آزمون فرضیه میزان درآمد خانواده و میزان شکاف نسل‌ها: نتایج حاصل از این آزمون نشان داد که ضریب همبستگی بین میزان درآمد خانواده و میزان شکاف نسل‌ها $r_{xy} = -0/10$ است. مقدار P برابر با $0/60$ بود که بزرگتر از سطح 5 درصد می باشد. لذا ارتباط معنا داری بین میزان درآمد خانواده به عنوان یک مولفه ی اقتصادی با شکاف نسل‌ها به عنوان مولفه ی فرهنگی مشاهده شد. فرضیه H_1 تحقیق رد شد و فرضیه H_0 مبنی بر عدم ارتباط بین دو متغیر تایید شد.

رابطه بین میزان درآمد در خانواده و میزان شکاف نسل‌ها			
میزان شکاف نسل‌ها			متغیرهای مستقل
سطح احتمال	ضریب همبستگی پیرسون	فراوانی	
$P = 0/60$	-0/1	200	میزان درآمد در خانواده

آزمون فرضیه میزان شکاف نسل ها و نوع شغل والدین: به منظور آزمون این فرض از آزمون t-Test استفاده شد. همانطوری که در جدول مشاهده می شود بین میزان شیوع پدیده شکاف نسل ها در آزمودنیها با توجه به نوع شغل والدین آنان (دولتی و آزاد) تفاوت معنا داری مشاهده نشده است. نتایج محاسبات آزمون t مستقل در جدول ارائه شده است. بنابراین فرضیه تحقیق H_1 رد میشود و H_0 مبنی بر عدم ارتباط دو متغیر تایید میشود.

نتایج بررسی نوع شغل والدین و میزان شکاف نسل‌ها با استفاده از آزمون t-Test							
متغیر	فراوانی		میانگین	انحراف معیار	درجه‌ی آزادی	t	P
نوع شغل	دولتی	۴۸	۲/۷۵	۱/۰۵	۱۹۸	-۱/۲۰	۰/۲۳
	آزاد	۱۵۲	۲۹۸	۱/۳۴			

به منظور آزمون فرضیه میزان شیوع شکاف نسل ها در نوجوانان و جوانان با توجه به سطح تحصیلات پدر از آزمون تحلیل و واریانس استفاده شد. نتایج آزمون تحلیل و واریانس نشان می‌دهد که بین میزان شکاف نسلی در آزمودنیها با توجه به سطح تحصیلات پدر (مقطع ابتدایی تا لیسانس) تفاوت معناداری وجود ندارد. مقدار F مشاهده شده برابر با مقدار ۰/۸۶ و کوچک‌تر از F بحرانی است. سطح معنی دار آن بزرگتر از سطح ۵ درصد می باشد. لذا فرضیه H_1 تحقیق رد می شود و فرضیه صفر تایید می شود. نتایج محاسبات در جدول آمده است.

بررسی میزان شکاف نسل‌ها با توجه به سطح تحصیلات پدر با استفاده از آزمون آنالیز واریانس					
منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی‌داری
بین‌گروهی	۰/۷۹	۴	۰/۲۰	۰/۸۶	۰/۴۰
درون‌گروهی	۴۴/۹۷	۱۹۵	۰/۲۳		
کل	۴۵/۷۶	۱۹۹			

در آزمون فرضیه میزان شیوع شکاف نسل‌ها در نوجوانان و جوانان با توجه به سطح تحصیلات مادر، نتایج تحلیل آزمون واریانس یک طرفه نشان داد که بین میزان شکاف نسلی در آزمودنیها و سطح تحصیلات مادر (ابتدایی تا لیسانس) تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده، لذا فرضیه H_1 رد شد و فرضیه H_0 تایید می‌شود.

بررسی میزان شکاف نسل‌ها با توجه به سطح تحصیلات مادر با استفاده از آزمون آنالیز واریانس					
منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین- مجذورات	مقدار F	سطح معنی-داری
بین‌گروهی	۱/۹۵	۴	۰/۴۹	۲/۱۷	۰/۰۷۳
درون‌گروهی	۴۳/۸۱	۱۹۵	۰/۲۲		
کل	۴۵/۷۶	۱۹۹			

پیشنهاده‌ها

۱- در این مطالعه مشخص شد که والدین در اکثر ارزشها تا حدی اختلاف دید دارند ولی در زمینه مسائل مذهبی و عقیدتی این اختلاف دید بیشتر به چشم می خورد. پس مسائل ذهنی است که موجب اختلاف گردیده، بنابراین برای پر کردن این خلاء برنامه ریزان اجتماعی و فرهنگی باید نسل جوان را که به عنوان مبنا در این تحقیق هستند و هنوز زمینه برای ایجاد تحول در جوانان وجود دارد، درک کنند و به طراحی برنامه های جذاب بپردازند. که رسالت نهاد آموزش و پرورش و وزارت ارشاد و صدا و سیما در این مورد بیش از پیش آشکار است. این نهادها به عنوان نهادهای ارزش آفرین در جهت دهی و تقویت یا تضعیف ارزش های نوجوانان گام بردارند.

۲- محدود کردن رشد جمعیت و کوچک شدن بعد خانوار یکی از برنامه هایی است که می تواند در نسل آتی موجب کاهش اختلاف دید گردد. چرا که فرصت والدین برای برقراری ارتباط با فرزند خود بیشتر می شود.

۳- استفاده متعادل از وسایل ارتباط جمعی توسط و فرزندان نیز سبب می گردد هر دو وقت بیشتری برای تبادل عقاید داشته باشند.

۴- بالا بردن کیفی سطح تحصیل و تدریس در مدارس مانع بروز شکاف بین والدین و فرزندان می شود. البته این بدان معنا نیست که وزارت آموزش و پرورش به گسترش مدارس غیر انتفاعی بپردازد، بلکه هدف بالا بردن سطح کیفی تحصیل در کلیه مدارس دولتی و مردمی است.

- ۵- بالا بردن سطح تحصیلات والدین عاملی است در جهت کاهش میزان شکاف نسل ها.
- ۶- ایجاد محیطی امن در خانه و بستری مناسب از طرف والدین می تواند جوان را به کانون خانواده وابسته نماید. به طوریکه جوان کمتر وقت خود را جهت برقراری ارتباط با دوستان یا به قول عامتر در درد دل با دوستان به طرف همسن و سالانی برود که تجربه ای از او ندارند و راهنمای بهتری از خود او نیستند.

منابع

۱. آبرکرامبی، نیکلاس، هیل، استفن و ترنر، اس، برایان (۱۳۶۸). فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه‌ی حسن پویان، تهران، چاپخس.
۲. احمدی، حبیب (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات سمت.
۳. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر، تهران.
۴. بیرو، آلن (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانیف انتشارات کیهان. چاپ سوم، تهران.
۵. تافلر، آلین (۱۳۷۳). موج سومف ترجمه شهیندخت خوارزمی، انتشارت سیمرغ فاخته، تهران، چاپ نهم.
۶. توسلی، غلامعلی (۱۳۷۴). نظریات جامعه شناسی، انتشارات سمت
۷. تیموری، کاوه (۱۳۷۷). فرهنگ عمومی، فصلنامه شماره ۱۶- ۱۵، شکاف نسل ها.
۸. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، تهران، انتشارات کتاب سرا.
۹. روشه، گی (۱۳۷۶). جامعه شناسی تالکوت پارسنز، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، انتشارات تبیات، چاپ اول، تهران.
۱۰. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ پنجم، تهران.

۱۱. سگالین، مارتین (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز.

۱۲. قائمی زاده، محمد سلمان (۱۳۸۶). مطالعه میزان شکاف نسل‌ها و عوامل موثر بر آن در بین دانش‌آموزان شهر همدان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی.

۱۳. کوئن، بروس (۱۳۷۵). درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات توتیا، تهران.

۱۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

منابع انگلیسی

- Alberto A. & Eliana L.F. (2002). "Who Trust Others?" Journal of Public Economics, Vol 85, Issue2.
- Collins R. (1992) "The Romanticism of Agency/ Structur Versus the Analysis of Micro / Macro" Current sociology, vol 40, No1.
- Coser lewis A. (1971) "Masters of Sociological Thought: Ideas in Historical and Social Context" New York: Harcourt Brace Jovanovich.
- Marshal G. (1996). "Oxford Concies Dictionary of Sociology" New York: Oxford University Press.
- Morton Dutsch (1996)"the resolution of conflict" New Haven:Yale University Press.
- Parsons T. et.al (1977) "Social System and the Evolution of Action Theory" New York: New York Press.
- Putnam R.D. (2000) "Bowling alone: the collapse and revival of American community" New York: Simon and Schuster.
- Rothstein B. (2005) "Social Traps and the Problem of Trust" Cambridge: Cambridge University Press (forthcoming).
- Seligman Adam B. (1998) "Trust and Sociability: on the Limits of Confidence and Role, Expectations" American format of Economics and Sociology: Vol 57, Issue 4.
- Sung You Jong (2005) "Corruption and Inequity as Correlates of Social Trust : Fairness Matters More Than Similarity" The Hauser Center for Nonprofit Organization and Gohn F.Kennedy School of Government ,Harvard University,Working Paper No 29.
- Taylor P. Funk C. Clark A. (2007) "Americans and Social Trust: Who, Where and Why"Pew Research Center Publications.

Kemenade, V. S. (2003). Social capital as a health determinant: How is defined. Health Canada, Health Policy Research, Working Paper Series. Working paper 02-07

Poortinga, W., (2006). Social capital: An individual or collective resource for health? Social Science & Medicine .

<http://www.health.qld.gov.au/phs/Documents/sphun/20493.pdf>12/12/2006

Veenstra, G., (2005). Location, location, location: Contextual and compositional health effects of social capital in British Columbia, Canada. Social Science & Medicine.